

آفته بخواند بار خدا را ببار آید و بر او برکت فرود آید داده ام و در هر وقت  
تو که در این ام در باطن در برابر اطمینان تو انقیاد دارم در ظاهر هر فردی که کرده است و با  
منفرد است تمام اعضا من بمبارت متابعت خضوع و تقرب و دلتن زیرا که انما خضوع  
سیرا لرب و کبریا است از آن امور را در آن کما تریه منیت از جهات خضوع  
و خضوع ریش بر کف تو منبر بر سجده و تقدیم بر بار بر این تعارض است یا که از  
خضوع باطن است خضوع ظاهر است و من است و من رب الملکة فی  
الوفاق تعبد کفکة است هر اسم که در وزن فعل است معنی آن  
مکسوس و در کس که نام نادرین هر دو اکثر است یعنی در هیچ مسلم سنی نبود و در  
مرد است از خضوعت عالیست صدقه ربه الله تعالی که رسول خدا در کوع ایست  
میفرمود که اللهم انت مسبح مقدس بار خدا یا تو می شتره و مطهر از سادات عیب  
و نقصان و اولاد تو از صروت و امکنان یا تو کوع منبر کس است که او شتره است  
و مطهر تر همه رب الملکة الروح بالذوات تمام و کس است که  
و جنابا لی و امن بک و ادری البوع بفقته علی هذا کدی ای  
و ما جنیت علی نفسی مسوا لبقه سبای و مع انخص من کرا و در  
سبا و نهما و یضال بفتح تنخص و کل با و ن فواد لبع ستم و دل و قبل الفواد  
غنا و القلب قلبه صبه و سوبله اقمده و حج فواد بود و در دل جایت گناه  
کردن از با سبب سبب و منبر بر امر وی است از این مسود و ربه الله تعالی  
هذا در کوع میفرمود که کوع کرده است برای تو سجده من و جان من ظاهرین باطن  
من سطرین و بار یک من و نصیحت کرده است بعد از حدت تو دل من معوم و موم  
بانام تو که بر من است و بجز از قیام با در این انعام و حال انعم این دو است من

الحق نام

یعنی تمام اعضا من مخوف است با عصیان و ستم و نامن حکم ترا یعنی در تمام شد  
انعام تو از من عیب عصیان است مقصد اطهار و عجز است از اعتراف به تقصیر من بعد  
بند و برای ای حال است از خیر بنفسم و کلام مصدر است و محتمل که این کلام مصدر  
باشد و موصوفه سبحان ذی الجلال و الاکرام و الملکة فی الکلیات  
و العظمة یعنی در سنی ابوداود و در سنی مرد است از عیون ابن کثیر  
از شیخ که رسول خدا در کوع این تسبیح میفرمود که بالذوات تمام و اذا  
قام من الذل کوع قال سبحان الله لمن حمدک یعنی در هیچ  
مسلم سنی را بعد مرد است از حد تقیید من ایمان ربه الله تعالی که در کوع  
مرد است از این مسود و ربه الله تعالی که چون رسول خدا انتم را از کوع که بر تو  
میفرمود شروع در گفتن تسبیح الله من حمد و میخورد بکفایت که نام میگردانم قول را  
نزد تمام بر خاستن خود پس از آن در حمد و ثنا خدا در حال قیام مطابق حال انعام  
مشغول میشد ای اجابت کرده است خدا که الحمد و ثنا خدا را بر انحصار ثواب  
گفته است و عطا فرمود است ثواب حمد و ثنا باد اللهم منینا لک  
الحمد یعنی در هیچ جای از مسلم سنی تر از سنی ای ابوداود مرد است  
از ابوبهره ربه الله تعالی که رسول خدا در فرمود این حمد و ثنا که با الله یا ربنا  
خاصه است چنین حمد و ثنا و انبیا اللهم اکثر است افضل از حدت برای که بر ما  
بر سبب تعداد و اظهار زیادت تقرب من سبحان لک الحمد یعنی در هیچ  
جای از مسلم مرد است نیز از ابوبهره ربه الله تعالی که رسول خدا در فرمود ثنا  
الحمد میخواند که اللهم ذمنا و لا و اود ثبوت و اود حج است و این را در زمره است  
و ایا لیرای اذ عکره الی ان الهم لک لا لیرای عطف است بر مقدار لفظ ثواب تقدر

۱۲